

بررسی موانع ازدواج از دیدگاه دانشجویان دانشگاه ایلام

در سال تحصیلی ۱۳۹۵

زهرا طاهری^۱

مرضیه مهربانی^۲

مریم قاسمی پور^۳

چکیده

تأخیر در سن ازدواج پدیده‌ای است که در جهان معاصر در تمام کشورهای مختلف اعم از توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته عمومیت یافته است؛ اگرچه در جای جای جهان، اشتراکات فراوانی در علل این پدیده وجود دارد؛ ولی می‌توان در هر منطقه جغرافیایی و فرهنگ حاکم بر آن علت‌های خاصی را جویا شد؛ چنانکه در ایران با توجه به شرایط فرهنگی ویژه آن علت‌ها متفاوت است. این پژوهش با هدف توصیف موانع ازدواج در بین ۳۷۴ نفر از دانشجویان دانشگاه ایلام در سال تحصیلی ۱۳۹۵ صورت گرفته است. روش نمونه‌گیری، طبقه‌ای بوده و برای آزمون فرضیه‌ها و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. مهمترین یافته‌های این پژوهش بدین قرار است:

در مقایسه میانگین نمرات عوامل تأثیرگذار بر موانع ازدواج (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بی‌توجهی مسئولان)، عامل فرهنگی با ۳/۱۶ درصد، عامل اقتصادی با ۳/۱۲ درصد، عامل بی‌توجهی مسئولان با ۲/۷۴ درصد و عامل اجتماعی با ۲/۳۱ درصد، به ترتیب، بیشترین تا کمترین میانگین نمره را در بین نمونه مورد بررسی داشته‌اند و در مقایسه بین میانگین نمرات گویه‌های مورد استفاده برای ۱. متغیر عامل فرهنگی موانع ازدواج، عیب شمردن جلسات آشنایی قبل از ازدواج با ۳/۸۸ درصد بیشترین نمره و عیب شمردن طرح مسئله ازدواج توسط خانواده دختر با ۲/۳۹ درصد کمترین نمره؛ ۲. متغیر عوامل اقتصادی، بالا بودن هزینه زندگی با ۴/۴۲ درصد بیشترین نمره و فاصله طبقاتی دو خانواده با ۲/۴۴ درصد کمترین نمره؛ ۳. متغیر عدم اعطای وام مورد نیاز به زوج‌های جوان با ۳/۶۱ درصد بیشترین نمره و عدم حمایت از ازدواج‌های ساده با ۲/۰۸ درصد کمترین نمره و ۴. متغیر عامل اجتماعی موانع ازدواج، وضع مهریه سنگین با ۲/۹۶ درصد بیشترین نمره و ازدواج پس از اتمام تحصیلات با ۲/۱۶ درصد کمترین نمره را از بین گویه‌ها به دست آورده‌اند.
واژگان کلیدی: ازدواج، انتخاب همسر، تأخیر در ازدواج، موانع ازدواج.

مقدمه

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی است که به لحاظ تأثیرگذاری بر اعضای خود و سطوح مختلف جامعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. جایگاه و نقش آن نیز در میان نهادها یا گروه‌های دیگر اجتماعی به گونه‌ای است که بعضی از جامعه‌شناسان معتقدند هر گونه اصلاح جامعه باید از خانواده آغاز شود (روزن باوم، ۱۳۶۷: ۲۳). به گفته ویلیام جی. گود، تغییرات ملموسی در نظام خانواده در جهان در حال وقوع است که همه آنها در نقطه مشترکی با هم تلاقی دارند. این تغییرات عبارتند از: افزایش سن ازدواج، کاهش ازدواج‌های ترتیب یافته و افزایش آزادی در انتخاب همسر. در واقع، عوامل تأثیرگذار در شکلگیری ازدواج در جوامع مختلف به همگرایی نزدیک می‌شوند (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۱۰۴). جوامع انسانی طی دو قرن اخیر، شاهد افزایش قابل توجه سن ازدواج بوده‌اند. این افزایش، نخست در کشورهای اروپایی؛ سپس در قرن بیستم به کشورهای در حال توسعه سرایت کرد (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۱۲۹). بر اساس نتایج مطالعات موجود، سن ازدواج در ایالات متحده آمریکا از اواسط دهه ۱۹۶۰ به طرز برجسته‌ای در بین جمعیت آن افزایش یافت؛ بدین صورت که نسبت افراد ازدواج کرده در این کشور در سال ۱۹۶۰ برابر با ۷۸ درصد بود که در سال ۲۰۰۰ به ۵۲ درصد و در سال ۲۰۰۵ به کمتر از ۵۰ درصد کاهش یافت (حبیب‌پور گتابی و ذوالفقاری، ۱۳۹۰: ۸). طی دهه‌های اخیر، پدیده ازدواج در کشور ما نیز دستخوش تحولات قابل توجهی شد. تغییر در میانگین سن ازدواج زنان، نسبت تجرد، میزان طلاق و تغییر در ترکیب جنسی افراد ازدواج‌کننده از جمله این تحولات است (زنجان‌ی و دیگران، ۱۳۷۸: ۵۹). میانگین سن در اولین ازدواج زنان شهری در سال ۱۳۵۵ برابر با ۲۰/۲ سال و در بین زنان روستایی برابر با ۱۹/۱ سال بوده که در سال ۱۳۹۵ به ۲۳/۴ در بین زنان شهری و ۲۲ سال در بین زنان روستایی تغییر یافته است؛ یعنی زنان و مردان کشور نسبت به چهل سال پیش، سه سال و سه ماه دیرتر ازدواج می‌کنند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، فاصله میانگین سن در اولین ازدواج مردان نسبت به زنان در کل کشور چهار سال و ۴ ماه بیشتر است که این فاصله نسبت به سال ۱۳۵۵ تغییر معناداری نیافته؛ به طوری که در سال ۱۳۹۵ میانگین سن در اولین ازدواج مردان، ۲۷/۴ سال و در بین زنان ۲۳ سال در کل کشور محاسبه شده است و این نماگر در سال ۱۳۵۵ برای مردان، ۲۴/۱ و برای زنان، ۱۹/۷ سال بوده است؛ به عبارتی در سال ۱۳۹۵

نسبت به سال ۱۳۵۵ مردان و زنان به طور متوسط، ۳/۳ سال دیرتر ازدواج کرده‌اند. کمتر از یک دهه پیش که جمعیت کشور به مراتب کمتر از حالا بود، طی یک سال، ۸۹۰ هزار ازدواج به ثبت رسید؛ اما ازدواج‌های ثبت‌شده در سال گذشته ۵۱ هزار مورد کمتر از سال پیش از آن است. به رغم افزایش جمعیت، آمار ازدواج در ایران از اواخر دهه ۸۰ مدام کاهش داشته و در مقابل، آمار طلاق ثبت‌شده گاهی هم بیشتر بوده است (سازمان ثبت احوال، ۱۳۹۱: ۵۶).

در حال حاضر وجود مسائل مختلف اجتماعی بخصوص در شهرهای بزرگ، شرایط ازدواج را سخت و آسیب‌ها و معضلات آن را زیاد کرده است. این امر نیازمند تدبیر شایسته و مدیریت دقیق و کارآمد می‌باشد که غفلت از آن در گذر زمان، علاوه بر آسیب‌های روانی‌ای که به فرد وارد می‌کند، آثار زیانبار زیادی را بر اجتماع، اقتصاد، ارزش‌ها، اعتقادات و سایر شئون زندگی تحمیل خواهد کرد. سخت بودن شرایط ازدواج، به طور حتم به کاهش آن منجر خواهد شد و آسیب‌های اجتماعی فراوانی از جمله فساد و ناهنجاری‌های جنسی را به دنبال خواهد داشت. پژوهش حاضر بر آن است تا با توصیف موانع ازدواج در بین نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه ایلام، به پدیده ازدواج، دیدگاه‌های مطرح در این مورد و موانع موجود پیش روی آن بپردازد.

پیشینه پژوهش

- معظمی (۱۳۸۲) اظهار داشته است که طبق آمار سال ۱۳۸۰، ۴۰۷۳ جوان و نوجوان فراری شناسایی شده که بیشتر آنان دختر بوده‌اند و سن ۷۲٪ از آنها بین ۱۶-۲۵ سال بوده است. تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد درصد قابل توجهی از دختران فراری، کسانی بوده‌اند که به رغم نیاز شدید به ازدواج و داشتن خواستگارهای متعدد، والدین آنها با ازدواجشان مخالفت کرده‌اند.

- تقوی (۱۳۸۳) در تحقیقی که به منظور بررسی عوامل اقدام به خودکشی بر روی ۵۰۰ مورد انجام داد به این نتیجه رسید که یکی از عوامل اصلی و عمده اقدام به خودکشی در جوانان، فراهم نشدن زمینه ازدواج بوده است.

- صمدی (۱۳۸۳) معتقد است که معمولاً زنان و دختران بدون همسر و مجرد در جامعه از نبود امنیت خاطر کافی در زندگی، محل کار و تحصیل رنج می‌برند. اماکن عمومی، خیابان‌ها، مراکز خرید و تفریح برای زنان مجرد کمتر امن است؛

چنانکه انواع مزاحمت‌ها، متلک‌ها، کنایه‌ها، تبعیض‌ها و تنگ‌نظری‌ها مانع آرامش و آسایش آنان است.

- احمدی و همتی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی وضعیت مضیقه ازدواج در ایران (بر اساس سرشماری ۱۳۸۵)» از جمله پیامدهای مضیقه ازدواج برای زنان را کاهش امکان ازدواج و احتمال گرایش به داشتن روابط جنسی بدون ازدواج و متعاقب آن تولد فرزندان خارج از چارچوب ازدواج رسمی میدانند.

- موسوی (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان «موانع ازدواج و عوامل تهدیدکننده آن در دختران و زنان شهر تهران» به این نتیجه رسید که تمام دختران ایرانی در امر ازدواج تقریباً با موانع مشابهی چون: پیدا نکردن فرد مناسب، سختگیری خانواده و مخالفت با خواستگاران یا فرد مورد نظر و داشتن تجربه شکست در رابطه قبلی چه به صورت عقد چه به صورت نامزدی یا دوستی مواجه هستند. انتظار از ازدواج نیز در طول سال‌های اخیر تغییر کرده، ولی راهکار مناسبی برای رسیدن به ازدواج موفق توسط خانواده و جامعه به نسل جوان ارائه نشده است. ناهماهنگی در این امر موانعی را برای ازدواج به وجود می‌آورد و به ازدواج‌های ناپایدار ختم می‌شود.

- ناستی زائی (۱۳۸۵) در تحقیقی به بررسی موانع ازدواج دختران و ارائه راهکارهای مناسب برای حل این معضل اجتماعی پرداخته است. در پژوهش او ۳۵ مانع به عنوان موانع مهم ازدواج در پنج دسته عامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بی‌توجهی مسئولان و عدم صلاحیت جوانان مورد توجه بوده است و هر ۵ عامل در موانع ازدواج دختران از دیدگاه پاسخگویان مؤثر دانسته شده‌اند.

- ایران محبوب و مختاری (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان «رویکرد جریان زندگی در مطالعه ازدواج جوانان در ایران»، به این نتیجه رسیدند که در بعد بیولوژیکی، تجارب فرد از زمان کودکی تا نوجوانی، سبب شکل‌گیری ملاک‌های ازدواج در ذهن وی می‌شود. جوانی که از دوران بچگی تا کنون در هر محفلی، ازدواج برای او نوعی پاسخ به نیاز جنسی معنا شده است، به تجربه در می‌یابد که برای رفع نیاز جنسی باید ازدواج کند.

- میترا (۲۰۰۴) در مطالعه «عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر سن ازدواج و باروری کل در نپال» نشان داده است که ویژگی‌های خانوادگی افراد همچون: میزان تحصیلات والدین (نقش تحصیلات مادر مهمتر بوده است)، نحوه گذران اوقات

فراغت، محل سکونت و وجود جایگزین‌هایی برای زندگی ازدواجی از عوامل مؤثر بر زمان ازدواج هستند. شهرنشینی به عنوان یکی از شاخص‌های نوسازی عمدتاً با ازدواج در سنین بالاتر هماهنگ است. افزایش امکانات مربوط به گذران اوقات فراغت نیز معمولاً موجب ازدواج‌های دیررس می‌شود. در کشورهایی که جایگزین‌های برای زندگی مبتنی بر ازدواج در دسترس و پذیرفته شده باشد یا فعالیت جنسی خارج از ازدواج مورد قبول باشد، میزان شیوع ازدواج پایین‌تر است. بررسی به‌موقع، علمی و همه‌جانبه در مورد ازدواج، اولین گام در جهت آسیب‌زدایی و بهبود وضعیت موجود است. پرسش اساسی این است که آیا عوامل مالی و اقتصادی، علت و ریشه به حساب می‌آیند و یا در اصل، خود معلول علل زیربنایی‌تری از جمله تغییر در نظام باورها و نگرش‌ها و بازخوردهای خانواده و مسئولان هستند (طاهرپور و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۲۲). مسلماً پاسخ‌های متفاوت به این سؤال، تأثیر بسیار زیادی بر راهبردها و خط‌مشی‌هایی خواهد گذاشت که جامعه برای حل مشکلات مربوط به ازدواج در پیش می‌گیرد. این تحقیق بر آن است تا با توجه به نظریه‌ها و پیشینه پژوهشی ارائه‌شده، علل و موانع ازدواج را استخراج کند و مورد نقد و بررسی قرار دهد.

مبانی نظری پژوهش

ازدواج مقدمه و لازمه تشکیل خانواده می‌باشد. سلامت جامعه و خانواده نیز وابسته به ازدواجی سالم و پر دوام است. آلن ژیرا اعتقاد دارد که در بین تمامی مراسم، آداب و حوادث اساسی زندگی انسان، ازدواج از اهمیتی بسزا برخوردار است. هم از نظر فردی، هم از دیدگاه زیستی و اجتماعی، هیچ چیز همانند ازدواج، جهانی و ثابت و پایدار نیست؛ از این رو، هیچ نهادی همانند آن تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد (میشل، ۱۳۵۴: ۱۵۱). ازدواج را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف مورد مطالعه قرار داد؛ چنانکه لوی اشتروس، آن را برخوردی دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت یا میان قواعد اجتماعی و کشش جنسی می‌داند؛ بنابراین ازدواج، قاعده‌مند کردن روابط جنسی بین دو جنس است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳). جانتیس (۲۰۰۱) نیز به نقل از استیفن، ازدواج را به عنوان یک واحد جنسی قانونی مطرح می‌کند که از نظر اجتماعی با یک اعلام عمومی شروع می‌شود، با ایده‌هایی که مبنای آن است ادامه می‌یابد و زن و مرد آشکارا می‌پذیرند که ازدواج حقوق و الزاماتی

را برای آنها و فرزندان در آینده ایجاد می‌کند؛ بنابراین ازدواج قبل از جاذبه‌های جسمانی، واحد زیست‌شناختی یا وحدت اجتماعی است. از نظر ناک (۱۳۸۲: ۱۴)، ازدواج به عنوان یک نهاد و کانون اجتماعی، ملهم از سه منبع قانون، عقاید اجتماعی و اعتقادات مذهبی و مبتنی بر شش نکته است که عبارتند از:

- ازدواج یک انتخاب شخصی آزاد است که بر پایه عشق استوار می‌شود.
 - بلوغ و استقلال، نیاز مسلم برای اقدام به ازدواج است.
 - ازدواج، ارتباطی بین دو جنس مخالف است.
 - در یک زندگی مشترک، مرد سرپرست است و تأمین معاش و محافظت از خانواده را بر عهده دارد.
 - وفاداری جنسی و تکهمسری، انتظار یک ازدواج است.
 - ازدواج به طور طبیعی با تولد فرزندان همراه است.
- دین اسلام بر اهمیت ازدواج تأکید فراوان کرده و ارضای غرایز جنسی را در حد نیاز واقعی نه تنها نفی نکرده، بلکه تشویق نیز نموده است. از نظر قرآن، ازدواج مایه آرامش روح و روان آدمی و از نشانه‌های رحمت و بزرگی خداوند است (روم/۲۱). تجرد و تأخیر در امر ازدواج نیز در بعضی روایات، مردود شده و تأکید گردیده است که هیچ چیز نباید موجب تأخیر ازدواج شود، حتی فقر.
- اهمیتی که اسلام برای ازدواج و خانواده قائل شده، در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است. از آنجا که خانواده، واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

مقایسه و بررسی اجمالی آمار سن ازدواج در چهل سال گذشته (۱۳۵۵-۱۳۹۵) ما را متوجه تغییر و تحولات ناشی از آثار مدرنیته می‌کند:

۱. میانگین سن ازدواج زنان طی ۴۰ سال گذشته از ۱۹/۷ به ۲۳/۴ سال رسیده؛ در حالی که این تغییر برای مردان از ۲۴/۱ به ۲۷/۴ سال بوده است.
۲. میزان عمومیت ازدواج برای زنان طی ۴۰ سال از ۹۹/۲ درصد به ۹۸/۲ درصد کاهش یافته است.
۳. میزان تجرد قطعی مردان از ۱/۵ درصد به ۱/۳ درصد کاهش یافته و در مقابل

این میزان برای زنان از ۰/۸ درصد به ۱/۸ درصد افزایش یافته است (سرشماری مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

در سال‌های اخیر با افزایش سن ازدواج دختران، نسبت دختران مجرد افزایش یافته است. به گفته کمالی (۱۳۸۶) نسبت دختران مجردی که تا ۲۵ سالگی هرگز ازدواج نکرده‌اند از حدود ۱۳٪ در سال ۱۳۴۵ از کل جمعیت آنان به بیش از ۴۶٪ در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است؛ به عبارت دیگر، طی این سال‌ها بیش از ۳۰٪ از دختران افزون بر رقم ۱۳٪ سال ۱۳۴۵، ازدواج خود را به سنین بالاتر از ۲۵ سال به تعویق انداخته‌اند و این در حالی است که نسبت پسران مجرد از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ کاهش داشته است؛ یعنی نسبت پسران مجرد از حدود ۶۸٪ در سال ۱۳۴۵ به حدود ۶۲٪ در سال ۱۳۵۵ و کمتر از ۵۸٪ در سال ۱۳۶۵ رسیده و این بدان معناست که تأخیر پسران در ازدواج از سن ۲۵ سالگی به بالاتر در سال ۱۳۴۵ نسبت به دو مقطع بعد بیشتر بوده است.

«بر اساس اصل اول جامعه‌شناسی، یعنی اصل اهداف و راه‌ها، ازدواج هنگامی رخ می‌دهد که جامعه بتواند اهداف مشترک فرهنگی خود و راه‌های وصول به آنها را مشخص کند. بر همین اساس رابرت کی مرتن معتقد است ناهنجاری در ساخت اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که هماهنگی میان راه‌ها و اهداف از بین برود و چنانچه این هماهنگی حاصل نشود، جامعه ناسالم خواهد بود (مجدالدین، ۱۳۸۶: ۳۸۱-۳۸۲).

بعضی از محققان برای تبیین تفاوت بین افراد در زمان تشکیل خانواده از مفهوم نوسازی استفاده کرده‌اند. طبق نظریه مدرنیزاسیون ویلیام گود (۱۹۶۳)، نوسازی در سطوح فردی و اجتماعی با تأثیرگذاری بر زمان ازدواج صورت می‌گیرد. وی به فاکتورهای مهمی چون گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییر در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره دارد. وی همچنین معتقد است ازدواج افرادی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند به دلیل شیوه‌های زندگی متفاوت و کنترل اجتماعی ضعیف‌تر نسبت به مناطق روستایی با تأخیر صورت می‌گیرد.

در جریان نوسازی، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار می‌شود. این تغییر کارکرد، شبکه اجتماعی را جایگزین شبکه خویشاوندی می‌کند؛ در نتیجه، خانواده به واحدی هسته‌ای تبدیل می‌شود

که بر فردگرایی استوار است. فردگرایی بدین معنی است که بخش عمده‌های از تصمیمات مربوط به زندگی اعضای خانواده، مانند تصمیم در مورد تشکیل خانواده و ازدواج، توسط خود افراد اتخاذ می‌شود (لوکاس و میر، ۱۳۸۱؛ تورنتون و جنسن، ۲۰۰۳؛ مالهوترا، ۱۹۹۷).

گسترش و همگانی شدن تحصیلات، یکی از دستاوردهای مهم نوسازی است. تأثیر قدرتمند تحصیلات بالا بر افزایش سن ازدواج، به‌ویژه در بین زنان، در بسیاری از مطالعات نشان داده شده است (میترا، ۲۰۰۴؛ کویسامبینگ و هالمن، ۲۰۰۳؛ سگالن، ۱۳۷۰؛ اسمیت، ۱۹۸۰؛ جوشی، ۲۰۰۳). افزایش تحصیلات، بسیاری از عوامل مهم مرتبط با ازدواج نظیر انتظار از ازدواج و روابط زناشویی و نحوه انتخاب همسر را تحت تأثیر قرار داده است؛ مثلاً برای زنان با تحصیلات بالاتر، امکان حضور فعال در بخش‌های مختلف جامعه بیشتر می‌شود؛ در نتیجه، برای خود موقعیتی مشابه با موقعیت مردان طلب می‌کنند و تلاش برای دستیابی به این موقعیت و ایجاد امنیت کافی برای پایداری آن در طول زندگی، هم زمان و هم فرایند تشکیل خانواده را دچار دگرگونی می‌کند. یافتن همسری که بتواند این موقعیت مورد انتظار را به رسمیت بشناسد و در حفظ و تداوم آن کوشا باشد چندان ساده نیست؛ همچنین یافتن چنین همسری تا حد زیادی مسبوق به بهبود موقعیت از طریق افزایش تحصیلات است. توقع مردان نیز همانند زنان از روابط زناشویی و زمان آمادگی برای آغاز زندگی زناشویی به علت افزایش میزان تحصیلات دگرگون شده است (کویسامبینگ و هالمن، ۲۰۰۳؛ میترا، ۲۰۰۴).

بهبود موقعیت زنان به عنوان یکی از جنبه‌های نوسازی تأثیر زیادی بر زمان ازدواج دارد. نوسازی از طریق گسترش تحصیلات عمومی و فراهم کردن امکان حضور در فعالیت‌های بیرون از خانه، موقعیت زنان را بهبود بخشیده و این امر با افزایش سن ازدواج، کاهش فاصله سنی بین زوجین، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و کاهش باروری همراه بوده است (کویسامبینگ و هالمن، ۲۰۰۳). نوسازی با تغییر ساختار سنی و جنسی جمعیت و تغییر ایده‌ها و ارزش‌های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده، وضعیت افراد آماده ازدواج را از لحاظ در دسترس بودن همسر مناسب در کشورهای مختلف؛ به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه تحت تأثیر قرار داده است. از آنجا که زوجین سنین متفاوتی دارند، عدم تساوی در تعداد مرد و زن (افراد آماده ازدواج) می‌تواند زمان ازدواج دو جنس را تحت تأثیر قرار دهد،

این وضعیت را فشار یا مضیقه ازدواج می خوانند. در این حالت ممکن است زمان ازدواج برای جنسی که تعداد آن بیشتر است به تعویق بیفتد؛ زیرا همسران مناسبی برای آنها یافت نمی شود؛ از طرف دیگر، به علت بیشتر بودن تعداد همسران بالقوه برای جنسی که تعدادش کمتر است، احتمال ازدواج زودتر برای این دسته از افراد افزایش می یابد (جعفری مزدهای، ۱۳۸۲؛ درودی آهی، ۱۳۸۱؛ پرستون و استرانگ، ۱۹۸۶؛ کارمایکل، ۱۹۸۸).

«بلاو و دانکن در جریان مطالعات تحرک اجتماعی در سال ۱۹۶۷م. نظریه ای درباره نقش خانواده در تحرک اجتماعی ارائه دادند. آنها معتقد بودند که عوامل تحرک اجتماعی نزولی منحصر به ازدواج های زودرس و داشتن فرزند زیاد نیست؛ بلکه داشتن خانواده بزرگ نیز از این عوامل محسوب می شود. به نظر آنها، افرادی که دارای تحرک اجتماعی صعودی بوده اند، از آنهایی که تحرک اجتماعی نداشته یا گرفتار تحرک اجتماعی نزولی شده اند، فرزندان کمتری داشته اند. هرچه تعداد فرزندان کمتر باشد سهم آنان در بهره مند شدن از توجه، مراقبت، رسیدگی و کمک های مالی خانواده بیشتر خواهد شد. آنها به این نتیجه کلی رسیدند که فرزندان خانواده های بزرگ امکانات و موفقیت های تحصیلی کمتری دارند؛ بنابراین موفقیت های شغلی ناچیزی نیز به دست می آورند. فرزندان خانواده های از هم پاشیده (بر اثر طلاق یا مرگ والدین) نیز به دلیل کاهش منابع مادی و عاطفی، موفقیت های تحصیلی و شغلی محدودتری خواهند داشت» (هلاکویی، ۱۳۶۵: ۲۶۳). دیکسون در نظریات خود بر سه متغیر دسترسی، امکان و تمایل تأکید کرده و چنین پنداشته است که این سه متغیر، اثرات ساختار اجتماعی بر الگوهای ازدواج را تعدیل می کنند. طبق نظر او متغیر دسترسی، به وسیله توازن نسبت سنی - جنسی افراد در سن ازدواج و روش های انتخاب همسر (تنظیم شده یا انتخاب آزاد) تعیین می شود؛ برخی از ازدواج ها در جایی که عدم توازن جلدی در نسبت سنی - جنسی جمعیت وجود داشته باشد با تأخیر مواجه می شوند و ازدواج در جایی که افراد جوان برای انتخاب همسر آزاد باشند نسبت به جایی که همسران از سوی والدین انتخاب می شوند، دیرتر اتفاق می افتد. متغیر امکان نیز با وضعیت اجتماعی و اقتصادی ارتباط دارد و برای تشکیل خانواده ضروری است. همچنین در نواحی شهری به دلیل تأکید اساسی بر مسئولیت های فردی قبل از ازدواج، نیاز به توسعه و کسب مهارت ها و به دست آوردن تجربه برای اداره یک خانواده مستقل، ازدواج

نسبت به نواحی روستایی به تأخیر می‌افتد. متغیر تمایل، از سوی فشار اجتماعی که شامل پاداش اجتماعی از قبیل عشق و عاطفه، حمایت اقتصادی، حفظ اصل و نسب و احساس خوشی در سالخوردگی و مجازات اجتماعی از قبیل انزوای اجتماعی و ننگ و رسوایی به دلیل بی‌فرزندگی یا مجرد قطعی از یک سن معین به بالا می‌باشد، برای ازدواج تعریف شده است. چنانچه پاداش اجتماعی برای مجرد در سنی معین بیشتر از مجازات آن باشد، یقیناً ازدواج با تأخیر صورت می‌گیرد (دیکسون، ۱۹۷۱: ۲۱۳-۲۱۵).

«نگاه اقتصادی به پدیده ازدواج ابتدا توسط بکر (۱۹۷۳) تئوریزه شد که بر مبنای آن، ازدواج مانند سایر رفتارهای اقتصادی، یک مدل «حداکثرسازی مطلوبیت» به شمار می‌رود؛ به عبارت دیگر، ازدواج به وقوع می‌پیوندد، اگر و فقط اگر، مطلوبیت دو طرف بر اثر این ازدواج افزایش یابد. در این چارچوب همه عواملی که می‌تواند بر رفتار و تصمیم به ازدواج افراد تأثیر بگذارد، از نگاه مطلوبیت و منافع حاصل از ازدواج، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. به واسطه نگاه تحلیل هزینه - فایده اقتصاد و برای روشن‌تر شدن این نگاه به ازدواج، افراد به صورت یک سری توابع مطلوبیت که به فرهنگ و طبیعت آنها وابسته است دسته‌بندی می‌شوند. ماهیت غیرپولی منافع حاصل از ازدواج، اندازه‌گیری آن را دشوار می‌کند و باعث می‌شود اقتصاددانان بر روی شاخص‌های مجزایی مانند مکمل بودن ویژگی‌های همسران مثلاً در تولید فرزند، بهره‌وری و کارایی نسبی میان زن و مرد در درون و بیرون خانه، درآمد، سن، آموزش و دیگر خصوصیت‌هایی که کارایی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نیز بر ترکیبات ویژه‌ای از بده بستان‌های زناشویی تمرکز کنند» (ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰: ۳۸).

بعضی از مطالعات، تغییر در سن ازدواج را به تغییرات اقتصادی و اجتماعی جوامع (مراحل توسعه) نسبت داده‌اند. بر اساس این مطالعات، الزامات اقتصادی و اجتماعی هر دوره، زمان تشکیل خانواده و الگوهای آن را تعیین می‌کند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۲۸؛ سگالن، ۱۳۷۰: ۱۳۵)؛ برای مثال در پایان دوره ماقبل صنعتی (کشاوزی) و در ابتدای مرحله صنعتی شدن، مردان در سنین بالاتری ازدواج کرده‌اند. علت اصلی تأخیر در ازدواج به عدم آمادگی اقتصادی افراد برمی‌گردد؛ از طرف دیگر، افزایش سن ازدواج در ابتدای صنعتی شدن را می‌توان به کمتر شدن کنترل خانواده بر ازدواج نسبت داد (میشل، ۱۳۵۴: ۱۴۶). با صنعتی شدن کامل، سطح رفاه جامعه

بهبود می‌یابد و تدارک زندگی مستقل، آسان‌تر می‌شود.

جوامعی که در حال گذار بوده‌اند یا در ابتدای توسعه صنعتی‌اند، از سن متوسط، ازدواج بالایی دارند که این پدیده در کشورهای ژاپن، هند، آمریکا و کشورهای غربی مشاهده شده است؛ زیرا همواره در ابتدای دوره رشد صنعت و به دنبال آن، امکان آزادی فردی، کاهش حضور والدین در امر ازدواج و پایین بودن سطح زندگی و وجود بیکاری، سن متوسط ازدواج بالاست (همان).

بر اساس اطلاعات به دست آمده، در دوره‌های رواج و رونق اقتصادی، مردم بیشتر ازدواج می‌کنند و در دوره‌های بحران و رکود اقتصادی، ازدواج‌ها به تأخیر می‌افتند یا منتفی می‌شوند. یکی از مهمترین تئوری‌ها، تئوری تورم رکودی^۱ است. افزایش بحرانهای سیاسی و اقتصادی و مؤلفه‌های مهم تورم رکودی، چون: حجم نقدینگی، تورم، رکود، کاهش تولید، بیکاری، مصرف‌گرایی و افزایش سطح انتظارات بر سن ازدواج جوانان تأثیر منفی داشته و مشکلاتی را در عرصه اقتصادی بر سر راه ازدواج آنان به وجود آورده است (بهنام، ۱۳۴۸: ۲۲).

استرانگ^۲ (۲۰۰۸) معتقد است که شرایط حاد و صدمات اقتصادی می‌تواند دلیلی بر افزایش سن ازدواج باشد؛ چنانکه در سال‌های ۳۲-۱۹۳۰ که فشار اقتصادی بر جامعه آمریکا حاکم بود، نرخ ازدواج تقریباً به ۱۳ درصد کاهش یافت و امروزه زنان آمریکا تشویق می‌شوند که مستقل باشند و خودشان اهداف زندگی خود را جهت دهند.

با توجه مباحث مطرح‌شده در پیشینه و چارچوب نظری پژوهش عوامل بسیاری در افزایش سن ازدواج و موانع اساسی در این امر مقدس تأثیرگذار هستند. در این پژوهش پس از جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مباحث و پژوهش‌های ارائه‌شده، با الگو گرفتن از مقاله ناستی زائی (۱۳۸۵)، موانع مورد بحث در چهار دسته عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بی‌توجهی مسئولان، مبنای اصلی کار قرار گرفت.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، پیمایشی و ماهیت آن کاربردی است. روش نمونه‌گیری نیز

1. Stagflation theory

2. Strong

طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه است که در آن بر اساس دانشکده به هفت نوع (۷ دانشکده مختلف) تقسیم گردیده؛ سپس سهم نسبی هر یک از این گروه‌ها از نمونه متناسب با رشته و مقطع تحصیلی دانشجویان تعیین شده است. جامعه آماری پژوهش را نیز دانشجویان دانشگاه ایلام تشکیل دادند که بر اساس آمار معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ برابر با ۷۰۰۰ نفر هستند. ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسشنامه^۱ بود که در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها هم با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد.

یافته‌های تحقیق

توزیع فراوانی پاسخگویان از کل نمونه چنین است:

- بر حسب جنسیت: دختران: ۶۳/۶ درصد، پسران ۳۶/۴ درصد؛
- بر حسب وضعیت تأهل: مجردها: ۷۱/۷ درصد، متأهلان: ۲۶/۵ درصد، سایر (مطلقه، بیوه و...): ۱/۹ درصد؛
- بر حسب مقطع تحصیلی: کارشناسی: ۶۲/۲ درصد، کارشناسی ارشد: ۲۷/۹ درصد، دکتری: ۹/۹ درصد.

جدول شماره (۱). توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی

پایین	متوسط رو به پایین	متوسط	متوسط رو به بالا	بالا
۲۵	۷۱	۱۱۶	۱۱۵	۴۷
۶/۷	۱۹/۰	۳۱/۰	۳۰/۷	۱۲/۶

جدول شماره (۱) بیانگر توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی^۲ است. برای ساختن این متغیر از ترکیب چند گویه، یعنی نوع مسکن، مالکیت اتومبیل و قیمت آن، میزان هزینه ماهیانه خانواده، نوع شغل سرپرست خانوار و تحصیلات پدر و مادر استفاده شده است.

۱. گویه‌های مورد استفاده در این پژوهش برگرفته از مقاله ناستی زائی (۱۳۸۵) با عنوان «موانع ازدواج دختران» بوده است.
 ۲. از مجموع نمرات به دست آمده از گویه‌های طراحی شده برای سنجش پایگاه اجتماعی-اقتصادی و با به دست آمدن نمره میانگین، این متغیر در پنج گروه دسته‌بندی شد.

جدول شماره (۲). میانگین نمرات عوامل تأثیرگذار بر موانع ازدواج

جمع	بیشینه	کمینه	مد	میانه	میانگین	
۸۶۶/۶۳	۴/۶۳	۱/۰۰	۲/۳۸	۲/۲۵	۲/۳۱	بعد اجتماعی
۱۱۶۸/۴۳	۵/۵۷	۱/۵۷	۳/۱۴	۳/۱۴	۳/۱۲	بعد اقتصادی
۱۱۸۴/۵۷	۵/۵۶	۱/۰۰	۲/۷۱	۳/۰۰	۳/۱۶	بعد فرهنگی
۱۰۲۵/۷۱	۵/۰۰	۱/۱۴	۲/۲۹	۲/۷۱	۲/۷۴	بعد بی توجهی مسئولان

در مقایسه میانگین نمرات عوامل تأثیرگذار بر موانع ازدواج (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بی توجهی مسئولان)، عامل فرهنگی با ۳/۱۶ درصد، عامل اقتصادی با ۳/۱۲ درصد، عامل بی توجهی مسئولان با ۲/۷۴ درصد و عامل اجتماعی با ۲/۳۱ درصد به ترتیب بیشترین تا کمترین میانگین نمره را در بین نمونه انتخاب شده به دست آورده‌اند (جدول شماره ۲).

جدول شماره (۳). میانگین نمرات گویه‌های استفاده شده برای متغیر عوامل اجتماعی

وضع مهریه سنگین	نداشتن شغل مناسب	برگزاری مراسم مجلل عروسی	سختگیری بیش از حد والدین	بالا بودن سطح توقعات دختران	ازدواج پس از اتمام تحصیلات	چشم و همچشمی در ازدواج	بالا بودن تحصیلات دختر نسبت به پسر	میانگین
۲/۹۶	۱/۸۲	۱/۹۸	۲/۸۳	۲/۲۱	۲/۱۶	۲/۲۹	۲/۲۹	۲/۲۹

در مقایسه میانگین گویه‌های استفاده شده برای سنجش متغیر عوامل اجتماعی، وضع مهریه سنگین با ۲/۹۶ درصد بیشترین نمره و ازدواج پس از اتمام تحصیلات با ۲/۱۶ درصد کمترین نمره را از بین گویه‌ها به دست آورده است (جدول شماره ۳).

جدول شماره (۴). میانگین نمرات گویه‌های استفاده‌شده برای متغیر عوامل اقتصادی

فاصله طبقاتی دو خانواده	وابستگی مالی خواستگار به والدین	نداشتن حداقل درآمد برای اداره زندگی	بیکاری خواستگار	نداشتن جهیزیه مناسب	بالا بودن هزینه زندگی	بالا بودن هزینه ازدواج	میانگین
۲/۴۴	۲/۴۷	۳/۰۶	۲/۵۲	۴/۰۱	۴/۴۲	۳/۳۵	

در مقایسه بین میانگین گویه‌های مورد استفاده برای سنجش متغیر عوامل اقتصادی، بالا بودن هزینه زندگی با ۴/۴۲ درصد بیشترین نمره و فاصله طبقاتی دو خانواده با ۲/۴۴ درصد کمترین نمره را از بین گویه‌ها به دست آورده است (جدول شماره ۴).

جدول شماره (۵). میانگین نمرات گویه‌های استفاده‌شده برای متغیر عوامل فرهنگی

بالا بودن تحصیلات دختر نسبت به پسر	عیب شمردن طرح مسئله ازدواج توسط خانواده دختر	اعتقاد به ازدواج دختر کوچکتر پس از دختر بزرگتر	اعتقاد به کوچکتر بودن دختر از پسر در ازدواج	عیب شمردن جلسات آشنایی قبل از ازدواج	انتخاب خواستگار توسط والدین	عدم رضایت خانواده به سکونت دختر در شهر دیگر	اعتقاد به ازدواج فامیلی	میانگین
۲/۲۹	۲/۳۹	۲/۸۱	۳/۵۶	۳/۸۸	۳/۵۲	۲/۷۵	۳/۲۶	

در مقایسه بین میانگین گویه‌های مورد استفاده برای سنجش متغیر عوامل فرهنگی، عیب شمردن جلسات آشنایی قبل از ازدواج با ۳/۸۸ درصد بیشترین نمره و عیب شمردن طرح مسئله ازدواج توسط خانواده دختر با ۲/۳۹ درصد کمترین نمره را از بین گویه‌ها به دست آورده است (جدول شماره ۵).

جدول شماره (۶). میانگین نمرات گویه‌های استفاده‌شده برای متغیر بی‌توجهی مسئولان

عدم اعطای وام مورد نیاز به زوج‌های جوان	عدم اعطای امتیاز به سربازان متأهل	عدم پرداخت وام مورد نیاز به زوج‌های دانشجو	عدم واگذاری مسکن به صورت اجاره به شرط تملیک به زوج‌های جوان	عدم وجود اولویت استخدام برای متأهلان جوان	عدم پخش برنامه‌های آموزشی ازدواج	عدم حمایت از ازدواج‌های ساده	میانگین
۳/۶۱	۲/۶۰	۲/۱۳	۲/۶۰	۳/۶۰	۲/۵۷	۲/۰۸	

در مقایسه بین میانگین گویه‌های مورد استفاده برای سنجش متغیر بی‌توجهی مسئولان، عدم اعطای وام مورد نیاز به زوج‌های جوان با ۳/۶۱ درصد بیشترین نمره و عدم حمایت از ازدواج‌های ساده با ۲/۰۸ درصد کمترین نمره را از بین گویه‌ها به دست آورده است (جدول شماره ۶).

در این پژوهش تحلیل‌های ارائه شده در قالب آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و جداول)، به طور کامل و جامع نتایج مورد نظر را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند؛ اما از آنجایی که جامعه آماری انتخاب شده، متشکل از گروه‌های مختلفی می‌باشد، این قسمت از پژوهش صرفاً جهت مقایسه میانگین نمره موانع ازدواج در بین گروه‌های مورد نظر به متن اضافه شده است.

• میانگین نمره موانع ازدواج از دیدگاه دختران و پسران متفاوت است.

جدول شماره (۷). آمار توصیفی آزمون (t-test) تفاوت میانگین موانع

ازدواج و ابعاد آن بر حسب جنس

		موانع ازدواج	بعد اقتصادی	بعد اجتماعی	بعد فرهنگی	بعد بی‌توجهی مسئولان
جنسیت	زن	۲/۶۳	۲/۸۰	۲/۱۲	۲/۸۱	۲/۷۹
	مرد	۳/۲۰	۳/۶۷	۲/۶۵	۳/۸۰	۲/۶۶

جدول شماره (۸). آزمون (t-test) تفاوت میانگین موانع ازدواج و ابعاد آن بر حسب جنس

		موانع ازدواج	بعد اقتصادی	بعد اجتماعی	بعد فرهنگی	بعد بی‌توجهی مسئولان
واریانس برابر	مقدار t	-۱۱/۶۲۰	-۱۴/۲۶۰	-۹/۳۱۵	-۱۰/۸۰۲	۱/۹۹۶
	سطح معناداری دوطرفه	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۴۶

برای آزمون تفاوت میانگین نمره موانع ازدواج از دیدگاه دختران و پسران از آزمون دو نمونه‌ای مستقل استفاده شد (جدول‌های شماره ۷ و ۸). نتایج به دست آمده از این آزمون (مقدار $t = -۶۲۰/۱۱$ و سطح معناداری $= ۰/۰۰۰$) بیانگر وجود تفاوت معنادار بین میانگین نمره به دست آمده از دیدگاه دختران و پسران راجع به موانع ازدواج است و با مقایسه میانگین‌ها بین دو گروه (دختران با میانگین $= ۲/۶۳$ و پسران با میانگین $= ۳/۲۰$) مشاهده شد که پسران به گویه‌های مورد نظر نمره بیشتری دادند. شاید بتوان گفت پسران در رابطه با ازدواج دلهره و اضطراب بیشتری نسبت به دختران دارند. لازم به ذکر است که میانگین این دو گروه در ابعاد موانع ازدواج (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بی‌توجهی مسئولان) نیز مورد آزمون قرار گرفت و مشاهده شد که در تمامی ابعاد به غیر از بعد بی‌توجهی مسئولان - آن هم با اختلافی ناچیز - پسران نمره بیشتری برای موانع مورد نظر منظور داشتند.

• میانگین نمره دیدگاه طبقات مختلف جامعه راجع به موانع ازدواج یکسان نیست.

جدول شماره (۹). آمار توصیفی آزمون Anova برای تفاوت میانگین نمره موانع ازدواج و ابعاد آن بر حسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی

موانع ازدواج	بعد اقتصادی	بعد اجتماعی	بعد فرهنگی	بعد بی‌توجهی مسئولان	پایگاه اجتماعی - اقتصادی
پایین	۳/۱۱	۱/۸۲	۲/۹۳	۲/۶۵	
متوسط رو به پایین	۳/۲۸	۲/۳۴	۳/۳۶	۲/۷۱	
متوسط	۳/۱۱	۲/۳۱	۳/۰۰	۲/۷۴	
متوسط رو به بالا	۳/۰۶	۲/۳۳	۳/۱۳	۲/۷۱	
بالا	۳/۰۹	۲/۵۴	۳/۵۰	۲/۹۲	

جدول شماره (۱۰). نتایج آزمون Anowa بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میانگین نمره موانع ازدواج و ابعاد آن

موانع ازدواج	بعد اقتصادی	بعد اجتماعی	بعد فرهنگی	بعد بی توجهی مسئولان		
۳/۲۰۹	۱/۲۰۹	۶/۵۱۴	۳/۵۵۲	۱/۳۴۶	مقدار f	واریانس بین گروهی
۰/۰۱۳	۰/۳۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷	۰/۲۵۲	سطح معناداری	

برای آزمون تفاوت میانگین نمره موانع ازدواج بر حسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد (جدول‌های شماره ۹ و ۱۰) که در واقع بیانگر تفاوت میانگین نمره موانع ازدواج بر حسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی است. با توجه به اینکه مقدار f برابر با ۳/۲۰۹ و سطح معناداری برابر با ۰/۰۱۳ می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نمره موانع ازدواج بر حسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی متفاوت است؛ همچنین با توجه به نمرات کسب شده در بین طبقات می‌توان گفت که طبقات بالا (بیشترین نمره میانگین = ۳/۰۱) موانع ازدواج را بیشتر از بقیه گروه‌ها و افراد طبقه پایین (کمترین نمره میانگین = ۲/۶۳) ارزیابی می‌کنند. نمره ابعاد موانع ازدواج نیز نشان می‌دهد که بین بعد اقتصادی و بعد بی توجهی مسئولان در بین گروه‌های مورد نظر، تفاوت چندانی مشاهده نمی‌شود؛ اما بین نمره طبقات مختلف در بعد موانع فرهنگی و اجتماعی ازدواج اختلاف وجود دارد.

• میانگین نمره موانع ازدواج بر حسب وضعیت تأهل متفاوت است

جدول شماره (۱۱). آمار توصیفی آزمون Anowa برای تفاوت میانگین نمره موانع ازدواج و ابعاد آن بر حسب وضعیت تأهل

موانع ازدواج	بعد اقتصادی	بعد اجتماعی	بعد فرهنگی	بعد بی توجهی مسئولان		
۲/۸۵	۳/۱۰	۲/۳۲	۳/۲۱	۲/۷۶	مجرد	وضعیت تأهل
۲/۸۲	۳/۱۶	۲/۳۱	۳/۰۹	۲/۷۳	متأهل	
۲/۷۷	۳/۸۴	۲/۰۹	۲/۸۸	۲/۲۹	سایر	

جدول شماره (۱۲). نتایج آزمون Anova بین وضعیت تأهل و میانگین نمره موانع ازدواج و ابعاد آن

موانع ازدواج	بعد اقتصادی	بعد اجتماعی	بعد فرهنگی	بعد بی توجهی مسئولان	مقدار f	واریانس بین گروهی
۰/۱۳۴	۴/۰۸۱	۰/۵۴۳	۰/۸۹۵	۲/۱۳۴		
۰/۸۷۴	۰/۰۱۸	۰/۵۸۱	۰/۴۰۹	۰/۱۲۰		سطح معناداری

برای آزمون تفاوت میانگین نمره موانع ازدواج بر حسب وضعیت تأهل از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد (جدول‌های شماره ۱۱ و ۱۲). با توجه به اینکه مقدار f برابر با ۰/۱۳۴ و سطح معناداری برابر با ۰/۸۷۴ است می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نمره موانع ازدواج بر حسب وضعیت تأهل متفاوت نیست؛ یعنی هم کسانی که از سد ازدواج و مشکلات آن گذشته و هم کسانی که آن را تجربه نکرده‌اند، دیدگاه‌های تقریباً یکسانی راجع به موانع ازدواج دارند؛ همچنین نمره ابعاد موانع ازدواج نشان می‌دهد که در بین گروه مورد نظر، نمره همه ابعاد به غیر از بعد اقتصادی تقریباً یکسان بوده است.

• میانگین نمره دانشجویان راجع به موانع ازدواج بر حسب دانشکده محل تحصیل متفاوت است.

جدول شماره (۱۳). آمار توصیفی آزمون Anova برای تفاوت میانگین نمره موانع ازدواج و ابعاد آن بر حسب دانشکده محل تحصیل

موانع ازدواج	بعد اقتصادی	بعد اجتماعی	بعد فرهنگی	بعد بی توجهی مسئولان	میانگین نمره	دانشکده محل تحصیل
۲/۹۰	۳/۱۰	۲/۳۵	۳/۴۰	۲/۷۳	۲/۹۰	ادبیات و علوم انسانی
۲/۸۵	۳/۲۵	۲/۲۶	۳/۳۱	۲/۵۷	۲/۸۵	تربیت بدنی
۲/۷۶	۲/۹۱	۲/۳۴	۲/۹۵	۲/۸۳	۲/۷۶	الهیات و معارف
۲/۷۷	۳/۱۶	۲/۲۲	۳/۰۰	۲/۷۳	۲/۷۷	پیرادامپزشکی
۲/۸۵	۳/۱۲	۲/۰۹	۳/۲۶	۲/۹۳	۲/۸۵	علوم
۲/۹۴	۳/۱۸	۲/۶۳	۳/۱۷	۲/۷۸	۲/۹۴	کشاورزی
۲/۷۴	۳/۲۵	۲/۳۲	۲/۹۸	۲/۴۳	۲/۷۴	فنی و مهندسی

جدول شماره (۱۴). نتایج آزمون Anowa بین دانشکده محل تحصیل و میانگین
نمره موانع ازدواج و ابعاد آن

موانع ازدواج	بعد اقتصادی	بعد اجتماعی	بعد فرهنگی	بعد بی توجهی مسئولان		
۱/۰۳۴	۱/۴۳۳	۴/۸۵	۱/۸۷۰	۳/۸۰۲	مقدار f	واریانس بین
۰/۴۰۳	۰/۲۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۸۵	۰/۰۰۱	سطح معناداری	گروهی

برای آزمون تفاوت میانگین نمره موانع ازدواج بر حسب دانشکده محل تحصیل از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد (جدول‌های شماره ۱۳ و ۱۴). با توجه به اینکه مقدار f برابر با ۱/۰۳۴ و سطح معناداری برابر با ۰/۴۰۳ است می‌توان گفت که میانگین نمره موانع ازدواج بر حسب دانشکده محل تحصیل متفاوت نیست؛ به عبارتی دانشجویان دانشکده‌های مختلف نمرات یکسانی به گویه‌های مورد استفاده در سنجش موانع ازدواج داده‌اند؛ همچنین نمره ابعاد موانع ازدواج در دو بعد اقتصادی و فرهنگی نشان می‌دهد که این نمره تقریباً در بین گروه مورد نظر یکسان است؛ اما در دو بعد اجتماعی و بی توجهی مسئولان تفاوت دارد.

• میانگین نمره دانشجویان راجع به موانع ازدواج بر حسب مقطع تحصیلی متفاوت است.

جدول شماره (۱۵). آمار توصیفی آزمون Anowa برای تفاوت میانگین نمره موانع ازدواج
و ابعاد آن بر حسب مقطع تحصیلی

موانع ازدواج	بعد اقتصادی	بعد اجتماعی	بعد فرهنگی	بعد بی توجهی مسئولان		
۲/۸۴	۳/۱۰	۲/۳۶	۳/۱۶	۲/۷۲	کارشناسی	مقاطع تحصیلی
۲/۸۱	۳/۱۴	۲/۲۴	۳/۱۵	۲/۷۱	کارشناسی ارشد	
۲/۹۴	۳/۲۱	۲/۳۳	۳/۲۷	۲/۹۵	دکتری	

جدول شماره (۱۶). نتایج آزمون Anova بین مقطع تحصیلی و میانگین
نمره موانع ازدواج و ابعاد آن

موانع ازدواج	بعد اقتصادی	بعد اجتماعی	بعد فرهنگی	بعد بی توجهی مسئولان	مقدار f	واریانس بین گروهی
۰/۸۳۱	۰/۴۶۹	۰/۲۲۱	۰/۷۹۴	۲/۳۱۱		
۰/۴۳۶	۰/۶۲۶	۱/۵۱۴	۰/۲۳۱	۰/۱۰۱	سطح معناداری	

برای آزمون تفاوت میانگین نمره موانع ازدواج بر حسب مقطع تحصیلی از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد (جدول‌های شماره ۱۵ و ۱۶). با توجه به اینکه مقدار f برابر با ۰/۸۳۱ و سطح معناداری برابر با ۰/۴۳۶ است می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نمره موانع ازدواج بر حسب مقطع تحصیلی متفاوت نیست؛ یعنی دانشجویان هر سه مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) نظر یکسانی نسبت به گویه‌های مورد استفاده در متغیر موانع ازدواج داشته‌اند؛ همچنین نمره ابعاد موانع ازدواج نشان می‌دهد که میانگین نمرات تقریباً یکسان است و تفاوتی بین آنها مشاهده نمی‌شود.

- بین میانگین نمره موانع ازدواج و ابعاد آن و متغیر سن رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۱۷). آزمون همبستگی پیرسون بین میانگین نمره موانع

ازدواج، ابعاد آن و سن

متغیر وابسته	موانع ازدواج	بعد اقتصادی	بعد اجتماعی	بعد فرهنگی	بعد بی توجهی مسئولان
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۰۰ (***)	۰/۱۹۵ (***)	۰/۰۳۵	۰/۱۸۰ (***)	۰/۱۴۳ (***)
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۶۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

برای آزمون وجود رابطه بین میانگین نمره موانع ازدواج و ابعاد آن با سن از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد (جدول شماره ۱۷). با توجه به نتایج این آزمون، بین میانگین نمره موانع ازدواج و سن (مقدار $r=0.200$ و سطح معناداری $=0.000$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و می توان گفت کسانی که نمره بیشتری به گویه های مورد نظر در سنجش متغیر موانع ازدواج داده اند، کسانی هستند که نسبت به سایرین سن بالاتری دارند؛ همچنین نمرات آزمون همبستگی نشان می دهد که در دیگر ابعاد موانع ازدواج و سن، به غیر از بعد اجتماعی، می توان این رابطه را مثبت ارزیابی کرد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

هدف اصلی از پژوهش حاضر، تبیین جامعه شناختی موانع ازدواج از دیدگاه دانشجویان دانشگاه ایلام در سال تحصیلی ۱۳۹۵ بود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که:

در مقایسه بین میانگین نمرات عوامل تأثیرگذار بر موانع ازدواج (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بی توجهی مسئولان)، عامل فرهنگی، اقتصادی، بی توجهی مسئولان و اجتماعی به ترتیب بیشترین تا کمترین میانگین نمره را در بین نمونه انتخاب شده داشته اند.

در مقایسه بین میانگین گویه های مورد استفاده برای عامل اجتماعی، وضع مهریه سنگین، سختگیری بیش از حد والدین، چشم و هم چشمی در ازدواج، بالا بودن تحصیلات دختر نسبت به پسر، بالا بودن سطح توقعات دختران، ازدواج پس از اتمام تحصیلات، برگزاری مراسم مجلل عروسی و نداشتن شغل مناسب، به ترتیب بیشترین تا کمترین نمره را در بین نمونه مورد بررسی کسب کرده اند.

در مقایسه بین میانگین گویه های مورد استفاده برای عامل اقتصادی، بالا بودن هزینه زندگی، نداشتن جهیزیه مناسب، بالا بودن هزینه ازدواج، نداشتن حداقل درآمد برای اداره زندگی، بیکاری خواستگار، وابستگی مالی خواستگار به والدین و فاصله طبقاتی دو خانواده، به ترتیب بیشترین تا کمترین نمره را در بین نمونه مورد بررسی کسب کرده اند.

در مقایسه بین میانگین گویه های مورد استفاده برای عامل فرهنگی، عیب

شمردن جلسات آشنایی قبل از ازدواج، اعتقاد به کوچکتز بودن دختر از پسر در ازدواج، انتخاب خواستگار توسط والدین، اعتقاد به ازدواج فامیلی، اعتقاد به ازدواج دختر کوچکتز پس از دختر بزرگتر، عدم رضایت خانواده به سکونت دختر در شهر دیگر و عیب شمردن طرح مسئله ازدواج توسط خانواده دختر، به ترتیب بیشترین تا کمترین نمره را در بین نمونه مورد بررسی کسب کرده‌اند. در مقایسه بین میانگین گویه‌های مورد استفاده برای عامل بی‌توجهی مسئولان، عدم اعطای وام مورد نیاز به زوج‌های جوان، عدم وجود اولویت استخدام برای متاهلان جوان، عدم واگذاری مسکن به صورت اجاره به شرط تملیک به زوج‌های جوان، عدم پخش برنامه‌های آموزشی ازدواج، عدم اعطای امتیاز به سربازان متأهل، عدم پرداخت وام مورد نیاز به زوج‌های دانشجوی و عدم حمایت از ازدواج‌های ساده، به ترتیب، بیشترین تا کمترین نمره را در بین نمونه مورد بررسی کسب کرده‌اند.

با توجه به نتایج تحقیق و آرای صاحب‌نظران در خصوص موانع ازدواج و پدیده دیررسی آن، می‌توان اظهار داشت که ازدواج نه تنها امری فردی و خانوادگی، بلکه در دنیای امروز نیز متأثر از سیاست‌های دولت‌هاست. دولت‌ها از زمان پیدایش خود همواره با تنظیم برنامه‌ها و سیاست‌هایی در زمینه اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و سیاست باعث تغییرات بسیاری در زندگی مردم شده‌اند. نهاد خانواده و ازدواج نیز از این امر مستثنی نبوده است. نمونه بسیار بارز آن در جهان معاصر تدوین و اجرای برنامه‌های خاص کمونیستی در کشورهای شوروی سابق و متحدانش است که به تعریف جدیدی از نهاد خانواده و شکل‌گیری آن منجر شد (کیبوتص‌های اسرائیل هم نمونه دیگری از آن است).

در ایران پس از انقلاب، سیاست‌های ویژه‌ای در خصوص خانواده و فرزندآوری اجرا شد که منجر به تغییرات ساختاری و جوان شدن جمعیت در دهه ۶۰ گردید. اکنون پس از گذشت سه دهه از این برنامه‌ها، نیازهای نسل دهه ۶۰ تأثیرات بسیاری بر تدوین برنامه‌های دولت گذاشته است. دهه شصتی‌ها اکنون در دوره‌ای واقع شده‌اند که مهمترین نیازهای انسانی (تحصیل، ازدواج، کار، مسکن و ...) در اوج خود قرار دارد. عملکرد هر کدام از دولت‌ها برای حل این بحران متفاوت بوده است. در سال‌های اخیر، بیشترین توجه

و سرمایه‌گذاری دولت، به برآوردن نیاز ادامه‌ت تحصیل با افزایش دانشگاه‌ها و بالابردن ظرفیت آنها اختصاص داشته است که پیامد آن، رفع اضطراب و دلهره جوانان و خانواده‌ها در خصوص ورود به دانشگاه، افزایش آگاهی و کسب رتبه اول تحصیلات دانشگاهی در خاورمیانه بوده است؛ اما توجه به بعد تحصیل فقط یکی از نیازهای جوانان بوده و سیاست‌های اعمال‌شده، در زمینه اشتغال، مسکن، اوقات فراغت و ... چندان جوابگو نبوده است (اگر اجرای برنامه دولت هشتم و نهم در خصوص مسکن مهر ادامه پیدا کند، می‌تواند نویدبخش حل معضل مسکن جوانان باشد). با توجه به محدودیت بودجه و صندوق اعتبارات دولتی، نمی‌توان انتظار داشت که همه این مشکلات با هم حل شوند. اگر برنامه‌های دولت با توجه به منابع انسانی و مواهب طبیعی آن و کمک گرفتن از مشاوران جوان به‌ویژه دهه شصتی‌ها تدوین و اجرا شود، بهتر می‌توان نیازهای این نسل را شناسایی و دغدغه‌های آنان را برطرف کرد. در برنامه‌های دولت باید به ازدواج که موضوع اساسی این پژوهش است، به عنوان نیازی که خود موجب بقای انسان می‌شود، بیشتر توجه گردد؛ بقای نسلی که در چارچوب خانواده سالم و مشروع باشد، نه غیر از آن.

فرایند جامعه‌پذیری با توجه به گسترده و پیچیده شدن دنیای ارتباطات نسبت به گذشته دچار تغییرات بسیاری شده و الگوپذیری جوانان از سمبل‌ها و قهرمانان رسانه‌ای معاصر و هم‌نوایی با آنان، منجر به شکسته شدن الگوهای نسل گذشته و تعارضات بین نسلی گردیده است. بسیاری از این الگوها و ارزش‌ها که ریشه در فرهنگ غربی و سکولاریسم دارد، باعث دوگانگی فرهنگی و تعارض با ارزش‌های متعالی دینی و ملی ایرانی - اسلامی شده است. انواع دوستی‌های دختر و پسر (خیابانی یا مجازی)، برگزاری مراسم‌های مختلط دختر و پسر، رواج روابط قبل از ازدواج، القای عشق افلاطونی از سوی رسانه‌ها و نشان دادن ازدواج‌های معاصر در قالب عشق رمانتیک و ... به کمرنگ شدن اهمیت ازدواج و نهاد مقدس خانواده و سردرگمی نسل جوان در انتخاب همسر ایده‌آل منجر شده است. از دولت و ابزارهای آموزشی تحت نظارت آن مانند آموزش و پرورش، رسانه‌ها و ... انتظار می‌رود که با شناخت سلیق و نیازهای نسل جوان به ارائه بازتعریف و الگوسازی ارزش‌های دینی و ایرانی در جامعه و در فرایند جامعه‌پذیری کودکان و دیگر نسل‌ها پردازند.

تنها راه مقابله با فرهنگ غربی، استفاده از ابزارهای خودشان یعنی رسانه‌ها و در دست گرفتن عنان آن می‌باشد. با ارائه سمبل‌های اصیل ایرانی و اسلامی با استفاده از تکنیک‌های رسانه‌ای مانند تبلیغات، بزرگ‌نمایی، استفاده از صحنه‌ها و لباس‌های زیبا و رنگین، آب و تاب دادن داستان، به کار بردن جلوه‌های ویژه و ... ما نیز می‌توانیم فرهنگ غنی خود را به نمایش بگذاریم و جایگزین نمادها و سمبل‌های مصرف‌گرا و سکولار دنیای غرب کنیم؛ به‌ویژه در امر ازدواج و توجه به اصل و اساس آن.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

- قرآن کریم.
- احمدی، وکیل و رضا همتی؛ (۱۳۸۷)، «بررسی وضعیت مضیقۀ ازدواج در ایران (بر اساس سرشماری ۱۳۸۵)»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۱.
- ایران محبوب، جلیل و مریم مختاری؛ (۱۳۸۵)، «رویکرد جریان زندگی در مطالعه ازدواج جوانان در ایران»، جمعیت، شماره ۵۷ و ۵۸.
- بهنام، جمشید؛ (۱۳۴۸)، جمعیت‌شناسی عمومی، تهران: دانشگاه.
- تقوی، نعمت‌الله؛ (۱۳۸۳)، خودکشی، تهران: آگاه.
- جعفری مزده‌ای، افشین؛ (۱۳۸۲)، «عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران»، پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵.
- حبیب‌پور گتابی، کرم و غلامرضا ذوالفقاری؛ (۱۳۹۰)، «علل افزایش سن ازدواج دختران»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۱.
- درودی آهی، ناهید؛ (۱۳۸۱)، «عدم توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج»، جمعیت، شماره ۴۱.
- روزن باوم، هایدی؛ (۱۳۶۷)، خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه محمدصادق مهدوی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- زنجانی، حبیب‌الله، کامل شادپور، امیرهوشنگ مهریار و محمد میرزایی؛ (۱۳۷۸)، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، تهران: بشری.
- ساروخانی، باقر؛ (۱۳۷۰)، مقدم‌های بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.
- سازمان ثبت احوال؛ (۱۳۹۱)، سالنامه آماری ۱۳۹۰ کل کشور، تهران: دریای نور.

- سگالن، مارتین؛ (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران: مرکز.
- صمدی، انور؛ (۱۳۸۳)، «مشکلات زنان و دختران مجرد بالای ۲۸ سال در تهران»، پروژه تحقیقاتی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ضرابی، وحید و سیدفرخ مصطفوی؛ (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی»، پژوهش‌های اقتصادی، سال یازدهم، شماره چهارم.
- طاهرپور، محمدشریف، حسین باغلی و سیدمعاد حسینی؛ (۱۳۸۶)، «بررسی نگرش و عملکرد دانشجویان در مورد رابطه با جنس مخالف»، خلاصه مقالات سومین کنگره سراسری خانواده و سلامت جنسی، تهران: دانشگاه شاهد.
- کاظمی پور، شهلا؛ (۱۳۸۳)، «تحول سن ازدواج در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن»، پژوهش زنان، دوره دوم، سال سوم.
- کمالی، افسانه؛ (۱۳۸۶)، «بررسی تنگنای ازدواج در ایران»، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره ۱۰ و ۱۱.
- لوکاس، دیوید و پاول میر؛ (۱۳۸۱)، درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، تهران: دانشگاه تهران.
- مجدالدین، اکبر؛ (۱۳۸۶)، «بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۵۳.
- معظمی، شهلا؛ (۱۳۸۲)، فرار دختران چرا؟، تهران: گرایش.
- موسوی، اشرفالسادات؛ (۱۳۸۲)، «بررسی موانع ازدواج و عوامل تهدیدکننده آن در دختران و زنان تهران»، پروژه تحقیقاتی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
- میشل، آندره؛ (۱۳۵۴)، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ناستی زائی، ناصر؛ (۱۳۸۵)، «موانع ازدواج دختران»، علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال سوم، شماره ۴.
- ناک، استیون؛ (۱۳۸۲)، ازدواج در زندگی مردان، ترجمه سعید غفاری، تهران: گوهر کمال.
- هلاکویی، فرهنگ؛ (۱۳۶۵)، جامعه‌شناسی امروز، تهران: جلالی.

ب) انگلیسی

- Carmichael G. A.(1988), With This Ring: First Marriage Patterns, Trends and Prospects in Australia, Canberra: Australian National University.
- Dixon, R.(1971), Explaining Cross-Cultural Variations in Age at Marriage and Proportions never Marrying, Population Studies, 25(2),215-233.
- Goode, William. (1963), World Revolution & Family Patterns, New York, Free Press.
- Janetiues, T. (2001), Marriage and Marital adjustment. www.homestead.com
- Jensen R. and Thornton R. (2003): Early female marriage in the developing world, gender and Development, 11(2):9-19
- Joshi N. (2003), Correlates of female age at marriage in two states: Uttaranchal and Uttar Pradesh, <http://jhucp.org>.
- Malhotra A. (1997), Gender and the timing of marriage timing: rural- urban differences in Java, Journal of Marriage and the Family, 59(2):434-50.
- Mitra P .(2004), Effect of socio- economic characteristics on age at marriage and total fertility in Nepal, Journal of Health and Population, 221: 84-96.
- Preston S. H. and M. A. Strong.(1986), Effects of mortality declines on marriage patterns in developing countries, in United Nations (ed.), Consequences of Mortality Trends and differentials, New York: United Nations, pp 88-100.
- Quisumbing A. R and K. Hallman.(2003), Marriage in Transition: Evidence on Age, Education and Assets From Six Developing Countries, New York: Population Council.
- Smith P. C. (1980), Asian marriage patterns in transition, Journal of Family History, 5(1):58-96.
- Strong B. (2008), The marriage and family experience. Thomson Higher Education, 10 David drive, Belmont, C. A. 94002-3098.